

تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و

سایر اسناد بین‌المللی

دکتر منوچهر توسلی نائینی^۱، میرحسین کاویار^{۲*}

۱. استادیار و مدیر گروه حقوق دانشگاه شهرکرد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۷؛ تاریخ تصویب: ۸۷/۹/۱۲)

چکیده

وجود بیش از ۶۵۰ میلیون نفر معلول در سرتاسر جهان، موضوع قابل تأملی است که تلاش جامعه‌ی بشری را برای ادامه‌ی زندگی توأم با حیثیت و کرامت انسانی بر پایه‌ی موازین حقوق بشر، طلب می‌کند. موضوع حقوق انسانی افراد دارای معلولیت از بزرگ‌ترین چالش‌های جوامع امروزی است، چه با افزایش روز افزون میزان رشد ناتوانی و نیز رقم مطلق افراد دارای ناتوانی، ابعاد انسانی این پدیده بسیار وسیع‌تر از آنچه تصور می‌شود، می‌باشد. آنچه در این میان اهمیت دارد، برخورد حقوقی با این موضوع است. از اوایل دهه‌ی هفتاد میلادی توجه جامعه‌ی بین‌المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد در حمایت از افراد دارای معلولیت، رو به گسترش بوده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اعلام سال ۱۹۸۱ به عنوان سال جهانی معلولین، اولین قدم را برداشت. پس از آن از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ در آسیا به عنوان دهه‌ی معلولین آسیا نامگذاری شد و اروپاییان نیز سال ۲۰۰۳ را به عنوان سال معلولین اروپایی نامیدند. در مهم‌ترین قدم در سال ۲۰۰۶، مجمع عمومی سازمان ملل کنوانسیون حقوق معلولان و یک پروتکل اختیاری مربوط به آن را تصویب کرد. این حرکت‌ها حاکی از آن است که از اواخر قرن بیستم موضوع حقوق از دست رفته و اعطا نشده معلولان در جوامع مورد توجه اندیشمندان حقوقی قرار گرفته است. مقاله‌ی حاضر، به بررسی مبانی حقوق این بزرگ‌ترین اقلیت غیرنژادی در جهان، از منظر کنوانسیون حقوق معلولان می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

افراد دارای معلولیت، معلولیت، حقوق بشر، سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق معلولان.

مقدمه

کم‌توانی و معلولیت^۱ از مفاهیمی هستند که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر مقطعی از تاریخ رویکرد جامعه نسبت به این مفاهیم متفاوت بوده است. گاه همچون جوامع بدوی افراد معلول در بدو تولد نابود می‌شدند، تا از سربار شدن این افراد جلوگیری شود و گاه با دیدی ترحم آمیز به آنان نگریده شده و معلولین به افرادی شایسته ترحم و صدقه‌بگیر، بدل شده‌اند. ولی امروزه نه جامعه بشری و نه خود این افراد، هیچ کدام از این دیدگاه‌ها را نمی‌پذیرند. افراد کم‌توان امروزه بیش‌تر از آنکه به دنبال امتیازات ویژه باشند، خواهان ایفای نقش و کسب مسئولیت‌های برابر با سایر اعضای جامعه هستند و با سازماندهی تشکلهای قدرتمند در پی احقاق حقوق فراموش شده خود می‌باشند. افراد معلول که خود را «بزرگ‌ترین اقلیت در جهان»^۲ می‌دانند، به آن مرحله از رشد و تعالی دست یافته‌اند که در برخی از کشورها حتی قادر به تأثیرگذاری بر مجامع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری هستند و از این طریق تلاش می‌کنند تا از پایمال شدن شأن و شخصیت انسانی خود جلوگیری کنند. هم‌چنین معلولان در زمینه‌های مختلف علوم با خلق آثار خود، خارقه‌ها آفریده‌اند که موجب فخر و مباهات است.^۳

امروزه برآورد می‌شود که ۶۵۰ میلیون معلول در جهان وجود داشته باشد. اگر خانواده‌های معلولان را درگیر در این مسأله بدانیم، تقریباً نزدیک به دو میلیارد نفر به طور مستقیم متأثر از معلولیت هستند که این رقم حدوداً یک سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد.^۴ بر طبق برآوردهای برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۵، ۸۰ درصد از معلولان در کشورهای در حال

1. Disability.

۲. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: پروین بختیار نژاد، "بزرگ‌ترین اقلیت اجتماعی و محرومیت از حقوق انسانی"، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره شانزدهم، صفحات ۱۸۲-۱۶۹.

۳. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: محمدرضا بیگدلی، "معلولین نامدار ایران و جهان، سازمان آموزش و پرورش استثنایی"، ۱۳۷۹؛ منصور برجیان، نوابغ و مشاهیر معلول جهان، سرش، ۱۳۷۶؛ علی اکبر مشیر سلیمی، سخنوران نابینا، نشر علمی، ۱۳۴۴.

4. <http://www.un.org/disabilities/default.asp?id=33>.

5. United Nations Development Program (UNDP).

توسعه زندگی می‌کنند.^۱ فقر بزرگ‌ترین معضل بشریت و مهم‌ترین عامل نقض حقوق بشر از علل مهم معلولیت به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. ارزیابی‌های بانک جهانی نشانگر این حقیقت است که ۲۰ درصد از مردم فقیر جهان به نوعی دچار معلولیت هستند.^۲ توجه بین‌المللی در حمایت از افراد دارای معلولیت از اوایل دهه هفتاد میلادی، به پیشگامی سازمان ملل متحد، رو به گسترش بوده است. از آن زمان که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سال ۱۹۸۱ را به عنوان سال جهانی معلولان اعلام نمود،^۳ مدت زمان زیادی می‌گذرد. اعلام سوم دسامبر هر سال به عنوان روز جهانی معلولان و تدوین «برنامه اقدام جهانی برای معلولان»^۴ تلاش‌های وسیعی را در سطح جوامع مختلف برای بهبود وضعیت معلولان به دنبال داشته است. به دنبال اعلام سال ۱۹۸۱ به عنوان سال بین‌المللی معلولین و دهه ۱۹۹۲-۱۹۸۳ به عنوان دهه سازمان ملل متحد برای معلولان (مصوب سی و هفتمین اجلاس عمومی سازمان ملل متحد) ابتکار عمل‌هایی در زمینه جلوگیری از معلولیت، توانبخشی^۵ و برابری فرصت‌ها در کشورهای در حال توسعه، صورت گرفته است که سازمان‌ها و کارگزاری‌های وابسته به سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در این ابتکار عمل‌ها یا غالباً دخالت مستقیم داشته‌اند یا از طریق برنامه‌های کمک متقابل شرکت نموده‌اند.^۶ به دنبال آن مجمع عمومی از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ در آسیا به عنوان دهه معلولین آسیا نامگذاری کرد، همین‌طور سال ۲۰۰۳ را به عنوان سال معلولین اروپایی نامید. این همه تلاش و پی‌گیری مجدانه حاکی از آن است که در سال‌های آخر قرن بیستم، موضوع حقوق از دست رفته و اعطا نشده‌ی معلولان، در جوامع مورد توجه خردمندان قرار گرفته است و همه‌ی جهانیان را به ایفا و بازگرداندن آن حقوق به این قشر

1. <http://www.un.org/disabilities/convention/facts.shtml>.

2. <http://www.un.org/disabilities/convention/facts.shtml>.

۳. با توجه به قطع‌نامه شماره ۳۱/۱۲۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۷۶، سال ۱۹۸۱ به عنوان سال بین‌المللی معلولین اعلام گردید (U.N Document, A/RES/31/123, 16Dec1976).

4. World Programme of Action Concerning Disabled Persons.

«برنامه اقدام جهانی برای معلولین» طی قطع‌نامه ۳۷/۵۲ مورخ سوم دسامبر ۱۹۸۲ در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. (U.N Document, A/RES/37/52, 3Dec1982)

5. Rehabilitation.

6. Department for International Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat, Manual on the Equalization of Opportunities for Disabled Persons, New York, 1986, p.3.

از اجتماع فرا می‌خوانند. موضوع حقوق انسانی افراد دارای معلولیت از بزرگ‌ترین چالش‌های جوامع امروزی است، زیرا با افزایش روز افزون میزان رشد ناتوانی و نیز رقم مطلق افراد دارای ناتوانی، ابعاد انسانی این پدیده بسیار وسیع‌تر از آنچه تصور می‌شود، می‌باشد. آنچه در این میان اهمیت دارد، برخورد حقوقی با این موضوع است، نه تنها برخوردی از سر تحرّم و دلسوزی و اعطای صدقه و مستمری به جهت رفع نیازمندی‌های قشری که اغلب در جوامع از تأمین نیازهای زندگی روزمره‌ی خود، دور نگه داشته شده‌اند. شاید در روزگاران گذشته تنها نگاهی دلسوزانه و پرداخت کمکی مادی یا معنوی می‌توانست، کارساز باشد، اما دنیای امروز و بویژه انسان‌های دارای ناتوانی و معلولیت اینگونه کمک‌ها را بر نمی‌تابند. مجامع جهانی در سالیان اخیر با مطرح کردن مفاهیمی چون «بهداشت برای همه»، «آموزش برای همه»، «حق استفاده‌ی برابر از فرصت‌های موجود در جوامع» و ... در پی ایجاد «یک جامعه برای همه» هستند تا در آن همه‌ی انسان‌ها بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه تبعیضی از مواهب خدادادی بهره‌مند شوند. در این نوشتار بر آن هستیم که مبانی حقوق معلولین را از منظر کنوانسیون حقوق معلولیان بررسی کنیم. اما پیش از آن لازم است تا مسیری که جامعه‌ی بین‌المللی پیمود تا منجر به تصویب چنین کنوانسیونی شد، را به اجمال بررسی کنیم.

نگاهی به اقدامات بین‌المللی تا پیش از تصویب کنوانسیون حقوق معلولان

آغاز جنبش‌های حمایت از افراد دارای معلولیت به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. اولین جوامع و سازمان‌ها در انگلستان برای نابینایان در سال ۱۸۸۹ و برای ناشنوایان در سال ۱۸۹۰ تأسیس شد. در ایالات متحده، این جنبش‌ها بعد از پایان جنگ جهانی اول و همراه با بازگشت افراد نابینا و دیگر معلولیان ناشی از جنگ به وطن فعال شدند.^۱ سابقه‌ی توجه بین‌المللی را نیز می‌توان در اعلامیه‌ی حقوق کودک (۱۹۲۴) دید که جامعه‌ی ملل براساس پیشنهاد یک سازمان غیر دولتی فعال در ۵ ماده آن را صادر کرد. در این اعلامیه حمایت از کودکان دارای معلولیت ذهنی مطرح شده است (مصفا، ۱۳۸۱، ص ۲۵۵). برخی از اسناد

۱. برای آگاهی از تاریخچه‌ی جنبش‌ها و سازمان‌های فعال در زمینه‌ی حقوق افراد دارای معلولیت نک:

Melinda Jones and Lee Ann Basser Marks ; *Disability Diverse – Ability and Legal Change*, the Hague/Mortinus Nijhoff Pub, 1999.

بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدون ذکر عبارت «معلولین» به برابری انسان‌ها در کرامت و حقوق و عدم تبعیض بر اساس رنگ، جنس و نژاد صحه گذاشته‌اند. با توجه به اینکه اطلاق این اسناد به تمام اعضای بشریت است، لذا افراد دارای معلولیت نیز از حقوق شناخته شده در این اسناد به طور برابر برخوردار خواهند بود.

در منشور ملل متحد

در منشور ملل متحد^۱ مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، که بر مبنای آن سازمان ملل متحد به وجود آمد، مقرراتی پیرامون حقوق بشر گنجانیده شد. بند ۳ از ماده ۱ منشور یکی از اهداف سازمان ملل را چنین بیان می‌دارد: «حصول همکاری بین‌المللی در حل مسایل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است، و در پیش‌برد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب». فصل نهم منشور تحت عنوان «همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی» در ماده ۵۵ مقرر می‌دارد: «به منظور ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی براساس احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای همه، حصول شرایط رشد و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛

ب) حل مسایل اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسایل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی در قلمرو امور فرهنگی و آموزشی؛

ج) احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد و جنس و زبان یا مذهب». وظیفه‌ی سازمان ملل، ارتقای حقوق بشر است و این مسؤلیت بر عهده‌ی مجمع عمومی و شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل گذاشته شده است (بند ۱ ماده ۱۳ و بند ۲ ماده ۶۲ منشور ملل متحد).

1. Charter of United Nation.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسید. اعلامیه مذکور نخستین اعلامیه فراگیر حقوق بشر است که از سوی یک سازمان بین‌المللی اعلام شده است.^۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، دارای یک مقدمه و ۳۰ ماده است. ماده ۱ که در واقع، مبنای فلسفی اعلامیه حقوق بشر را بیان می‌کند، مقرر می‌دارد: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند». علت برابری انسان‌ها براساس اعلامیه حقوق بشر، کرامت^۳ و وجدان^۴ دانسته شده است. برابری یکی از پایه‌های آزادی است و آن شامل دو چیز است: برابری در حیثیت و کرامت انسانی، یعنی از حیث انسان بودن و برابری در حقوق، یعنی در تمتع و بهره‌مندی از حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی به عنوان یک شهروند. حقوق انسان‌ها رابطه مستقیمی با شرافت و طبیعت آنها دارد و چون طبیعت انسان‌ها برابر است، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از خود سلب کند یا به دیگری واگذار نماید. اعلامیه جهانی حقوق بشر فرضیه‌های قومی و نژادی را (بالأخص در ماده ۲)^۵ نفی می‌کند و براساس دو نظریه نگارش یافته است: «یکی این نظریه که می‌گوید، آزادی ناشی از حیثیت ذاتی انسان بوده و با طبیعت او سرشته شده است (نظریه حقوق فطری) و نظریه دیگر این که انسان حیوانی است که با عقل و وجدان خود از سایر حیوانات متمایز می‌باشد و باید به اهمیت و رسالت خود در آفرینش کاملاً آگاه باشد و نسبت به هم‌نوع و اجتماع خود رفتاری در پیش گیرد که از روی عقل و وجدان پاک - یعنی رفتاری معقولانه و مسؤولانه - باشد و از آزادی نامعقول، لجام

1. Universal Declaration of Human Rights.

۲. جهت مطالعه تاریخچه نخستین اعلامیه‌های حقوق بشر به مفهوم امروزی نک: محمد بسته نگار، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۵۰-۲۹.

3. Dignity.

4. Consciousness.

۵. ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و هم‌چنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد».

گسیختگی، بی‌بند و باری و عدم احساس مسؤولیت پرهیز کند» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰، صص ۲۲۱-۲۲۲).

یکی از اصول و حقوق بنیادین و از ستون‌های اصلی نظام حقوق بشر، اصل عدم تبعیض میان کلیه افراد است. این اصل در منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق اعلامیه نخستین کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران (۱۹۶۸)، اعلامیه و برنامه عمل دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین (۱۹۹۳)، اسناد الزام‌آور متعدد بین‌المللی، اعلامیه‌ها، قطع‌نامه‌ها، آرای صادره از سوی مراجع قضایی و شبه قضایی بین‌المللی آن قدر مورد تأکید مکرر قرار گرفته که به جرأت می‌توان آن را به عنوان یکی از قواعد عرفی و عام‌الشمول در عرصه حقوق بشر به شمار آورد. ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین اعلام می‌دارد: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و به طور تساوی از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به طور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند». علاوه بر این بند الف ماده ۱۹ همین سند اعلام می‌دارد: «مردم در برابر قانون مساوی هستند و در این امر فرمانروایان و فرمانبران با هم برابرند». به این ترتیب، می‌توان گفت که «اصل عدم تبعیض» یکی از بنیان‌های «نظام حقوق بشر بین‌المللی» است، اما در عین حال، در مورد مصادیق و ابعاد اصل عدم تبعیض هنوز یک اجماع بین‌المللی وجود ندارد و همین عدم رهیافت مشترک، همواره باعث اعمال تبعیض و تعرض به حقوق اساسی شهروندان از سوی برخی دولت‌ها بوده است. در جهت کاهش رفع این نقیصه، کمیته حقوق بشر در اجلاس سی و هفتم خود به سال ۱۹۸۹ طی تفسیر کلی شماره ۱۸ خود تلاش کرد تا ابعاد و مفهوم «اصل عدم تبعیض» را تبیین و شفاف نماید. دیدگاه‌های کمیته را به ترتیب ذیل می‌توان جمع‌بندی کرد:

۱- اصل عدم تبعیض شامل هم برابری افراد در مقابل قانون و هم حمایت برابر قانون از همه‌ی افراد، بدون در نظر گرفتن هرگونه تفاوتی از نظر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، ملیت، مالکیت، ولادت و سایر ویژگی‌هاست. به عبارت دیگر، در اجرای اصل عدم تبعیض، دولت‌ها هم دارای یک رشته تکالیف سلبی و هم دارای یک رشته تکالیف ایجابی می‌باشند.

۲- اهمیت اصل عدم تبعیض تا جایی است که حتی در مواردی که یک خطر عمومی فوق‌العاده موجودیت ملتی را تهدید کند و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۴

خود دولت‌های مربوط را مجاز شمرده که در آن گونه موارد بتوانند تدابیری خارج از الزامات میثاق را اتخاذ یا به عبارت بهتر، انحراف ورزند، اما در همان جا تأکید شده که این انحراف و اتخاذ تدابیر مذکور باید بدون هر گونه تبعیض اعمال شود.

۳- بسیاری از قواعد حقوق مدنی و سیاسی اساساً بر پایه اصل عدم تبعیض موجودیت یافته‌اند، از جمله می‌توان به ماده ۱۴ میثاق در مورد تساوی همه افراد در مقابل دادگاه‌ها و برخورداری همه متهمان از تمامی تضمینات دادرسی عادلانه و همچنین ماده ۲۵ در مورد تساوی همه شهروندان برای مشارکت در امور عمومی بدون هر گونه تبعیض اشاره کرد.

۴- از آنجایی که در تعریف واژه تبعیض دیدگاه‌های مختلفی تاکنون ارائه شده، کمیته حقوق بشر با بهره‌گیری از ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی^۱ و همچنین ماده ۱ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض بر ضد زنان^۲، به ارائه چنین تعریفی از واژه تبعیض پرداخته است: «تبعیض عبارت است از هرگونه تمایز، استثنا، محدودیت یا برتری قایل شدن میان افراد بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا خاستگاه اجتماعی، مالکیت، ولادت یا دیگر عوامل که هدف یا اثر آن از بین بردن، در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن حقوق مساوی و آزادی‌های اساسی همه انسان‌ها باشد».

۵- ماده ۲۶ میثاق و پاراگراف ۱ ماده ۲ تأکید دارند که اصل عدم تبعیض باید هم در قالب فردی و هم در قالب گروه‌های اجتماعی تابع حاکمیت یک دولت صرف‌نظر از همه تمایزها اجرا گردد.

۶- اصل عدم تبعیض شامل تمامی حقوق بشر بوده و دولت‌ها مکلف‌اند که در مقام قانونگذاری، اجرا و قضا و در تمامی زمینه‌ها اجرای اصل عدم تبعیض را مورد توجه قرار دهند و در عین حال، تفاوت‌های معقول و مثبت را در مسیر دست‌یابی هر چه بیشتر به حقوق انسانی در نظر گیرند.

بنابراین نقش اعلامیه جهانی حقوق بشر، در تکامل موضوع حقوق بشر و تخصصی شدن آن در زمینه‌های گوناگون با محوریت گروه‌ها (کودکان، زنان، پناهندگان و افراد دارای معلولیت)

1. Convention on Elimination of all Forms of Racial Discrimination (1966).

2. Convention on Elimination of all Forms of Discrimination Against Women (1979).

و یا با محوریت برخی موضوعات (چون تبعیض نژادی، کشتار جمعی، محیط زیست و توسعه، تغذیه، توسعه اجتماعی و اسکان بشر) نقش محوری داشته است.

در میثاق‌ها

«میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»^۱ و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»^۲ به عنوان مهم‌ترین کنوانسیون‌های همه‌جانبه حقوق بشر، به طور مشخص به افراد دارای معلولیت توجه ندارند. بعدها در توصیه‌نامه کمیته میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شد که عدم توجه میثاق‌ها به افراد دارای معلولیت، ناشی از عدم آگاهی نسبت به حقوق آنها در سال تصویب آنها است. البته در دو کمیته میثاق‌ها، کمیته حقوق مدنی و سیاسی طی توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۸ و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توصیه‌نامه عمومی شماره ۵ مفاد آنها در موضوعات خاص از نظر حمایت حقوق افراد دارای معلولیت مورد تفسیر قرار گرفتند. ولی با توجه به اطلاق میثاق‌ها به عموم بشریت، افراد معلول نیز از حقوق به رسمیت شناخته شده در آنها برخوردار خواهند شد.

در کنوانسیون حقوق کودک

از اولین اسناد بین‌المللی که به طور خاص به معلولان اشاره می‌کند، کنوانسیون حقوق کودک^۳ است، که در ماده ۲۳ حقوق کودکان معلول را چنین بیان می‌دارد: «۱- کشورهای طرف کنوانسیون اذعان دارند، کودکی که از نظر ذهنی یا جسمی دچار نقص می‌باشد، باید در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکای به نفس باشد و شرکت فعال کودک در جامعه را تسهیل نماید، رشد یافته و از یک زندگی آبرومند و کامل برخوردار گردد.

۲- کشورهای طرف کنوانسیون، حقوق کودکان معلول را برای برخورداری از مراقبت‌های ویژه به رسمیت می‌شناسند و ارایه این مراقبت‌ها را بر حسب شرایط والدین و یا مسئولین کودک و منوط به وجود منابع، به این گونه کودکان و کسانی که مسئول مراقبت از وی هستند، تشویق و تضمین خواهند کرد.

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966).
2. International Covenant on Civil and Political Rights (1966).
3. Convention on the Rights of the Child (1989).

۳- با تشخیص نیازهای ویژه کودک معلول، کمک‌های مقرر شده در بند ۲ این ماده در صورت امکان می‌بایست به طور رایگان و با در نظر گرفتن منابع مالی والدین و یا مسئولین کودک انجام گیرد و می‌بایست به نحوی برنامه‌ریزی شود که کودک معلول بتواند دسترسی مؤثر به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمات مراقبتی بهداشتی، خدمات توان بخشی، آمادگی برای اشتغال و ایجاد فرصت به روشی که موجب دستیابی کودک به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی وی می‌شود، داشته باشد.

۴- کشورهای طرف کنوانسیون در سایه همکاری‌های بین‌المللی، مبادله اطلاعات لازم را در زمینه مراقبت‌های بهداشتی، پیشگیری، معالجات پزشکی و روان‌شناسی کودکان معلول، من جمله انتشار و در دسترس قرار دادن اطلاعات مربوط به روش‌های توانبخشی، آموزش و خدمات حرفه‌ای با هدف قادر ساختن کشورهای طرف کنوانسیون به پیش‌برد توانایی‌ها و مهارت‌های خود و گسترش تجربیات آنان در این زمینه‌ها، افزایش خواهند داد. در این ارتباط، به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه خاصی مبذول خواهد شد.

آرمان‌های جامعه بین‌المللی در زمینه وضعیت کودکان به بهترین وجه در کنوانسیون حقوق کودک تجلی می‌یابد، ولی در این کنوانسیون نیز با وجود اهمیت مسایل مربوط به کودکان معلول تنها یک ماده بدان اختصاص داده شده است، که نکات ذیل در مورد این ماده قابل ذکر است:

۱- در ماده ۲۳ به جزئیات حقوق مربوط به معلولان توجهی نشده و مورد بررسی قرار نگرفته است که از این جهت ایرادی به کنوانسیون حقوق کودک وارد نیست، ولی این نقص در این ماده باقی است که به اسناد بین‌المللی در حمایت از معلولان که با دقت و ذکر جزئیات تصویب شده‌اند، ارجاع نشده است.

۲- به نظر می‌رسد، این ماده صرفاً به منظور تحکیم و تثبیت حقوقی که در اسناد بین‌المللی در مورد معلولان به رسمیت شناخته شده، تنظیم شده، بدون اینکه تلاشی در گسترش و توسعه این حقوق صورت گرفته باشد. بنابراین فاقد جنبه ابداع و نوآوری بوده و فقط منحصرراً موضوع رایگان بودن هزینه‌های مربوط به مراقبت ویژه از کودکان معلول را می‌توان ابتکاری از ناحیه تدوین‌کنندگان کنوانسیون حقوق کودک دانست که آن هم با ذکر قیودی مثل «در صورت امکان» از تأثیر آن تا اندازه‌ای کاسته است.

۳- لحن ماده ۲۳ بیش‌تر جنبه توصیه و سفارش دارد تا اعلام قاعده‌ای الزام‌آور و در نتیجه برای کشورهای عضو کنوانسیون ایجاد الزام نمی‌کند. بنابراین می‌توان گفت، کنوانسیون گامی فراتر از آنچه که در اعلامیه‌ها در خصوص حمایت از معلولان آمده، بر نداشته و سعی در تحکیم حقوق اعلام شده قبلی درباره آنان داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد که حمایت به عمل آمده از کودکان معلول در کنوانسیون حقوق کودک کافی نبوده و با توجه به تعداد معلولان که بالغ بر ۶۵۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شوند و ۸۰ درصد آنها در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، سزاوار بود که تدوین‌کنندگان کنوانسیون با تصریح و شناسایی حقوق کودکان معلول، تعهدات و وظایف دولت‌ها را در جهت گسترش و توسعه این حقوق به نحوی دقیق مشخص می‌نمودند. هر چند مصلحت در تدوین کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشر در این است که از انعطاف لازم برخوردار باشند تا از نظر کمیت، تعداد بیش‌تری از کشورها بدان ملحق گردند. به علاوه نباید غافل ماند که هرچند تعداد زیادی از معلولان جهان در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند، ولی حمایت از معلولان در این کشورها مستلزم داشتن فن لازم برای تحقق اهداف منعکس در این ماده و صرف منابع مالی است که غالب کشورهای جهان سوم به جهت فقدان بنیه علمی لازم و هم‌چنین از لحاظ کمبود بودجه قادر به اجرای تعهداتی که بیش از توان آنان باشد، نیستند. ولی با وجود این مسایل و مشکلات نمی‌بایست حمایت کنوانسیون حقوق کودک از کودکان معلول تا این اندازه تنزل پیدا کند که در کنوانسیونی که داعیه حمایت از کودکان را دارد، مقررات آن تعهد خاصی را متوجه دولت‌های عضو آن نکرده و صرفاً جنبه توصیه داشته باشد. ملتون در کتاب «دفاع از کودک» خود چنین می‌نگارد: «هنوز یک توافق و پشتیبانی همگانی درباره ایدئولوژی کودکان که به آنها بها دهد تا به حقوق مربوط به ارضای نیازها و تحقق توانایی‌هایشان برسند، تدوین نیافته است» (ملتون، ۱۹۸۳، ص ۱۲۳). هارت نویسنده و روان‌شناس دیگری معتقد است: «میان حقوق کودکان که از آن دفاع می‌شود و حقوقی که در واقع برای کودکان وجود دارد، مغایرت‌های فاحشی به چشم می‌خورد» (هارت، ۱۹۸۲، ص ۵۸).

اعلامیه جهانی بقا، رشد و حمایت از کودکان

در سال ۱۹۹۰ «اعلامیه جهانی بقا، رشد و حمایت از کودکان» به تصویب سازمان ملل متحد رسید. این اعلامیه در بند ۴، یکی از چالش‌های رشد و توسعه جهان را معلولیت می‌داند. بند ۴ این اعلامیه چنین مقرر می‌دارد: «هر روزه کودکان بی‌شماری گرداگرد جهان در معرض خطرانی قرار می‌گیرند که رشد و توسعه آنان را با دشواری مواجه می‌سازد. کودکان به عنوان تلفات جنگ و خشونت، قربانیان تبعیض نژادی، آپارتاید، تهاجم، اشغال بیگانه و انضمام سرزمین‌های دیگران به عنوان کودکان پناهنده و آواره که به ترک خانه و کاشانه خود مجبور شده‌اند، به عنوان افراد معلول یا قربانیان سهل‌انگاری، بیداد و بهره‌کشی، مصائبی عظیم را متحمل می‌شوند». در کنار هم، ملت‌ها از ابزار و دانش کافی برای حفاظت از حیات و کاستن چشمگیر از رنج کودکان، برای پیش‌برد شکوفایی کامل استعدادهای انسانی و آگاه‌سازی آنان از نیازها، حقوق و فرصت‌های خویش برخوردارند. کنوانسیون حقوق کودک فرصتی نوین را فراهم می‌آورد تا احترام به حقوق و رفاه کودک جنبه‌ای به واقع، همگانی باید (بند ۸). بهبودهایی که اخیراً در جو سیاست بین‌الملل به دست آمده، می‌تواند انجام این وظیفه را تسهیل کند. اینک باید امکان آن وجود داشته باشد تا از طریق همبستگی و همکاری بین‌المللی به نتایج ملموس در بسیاری از زمینه‌ها دست یابیم. زمینه‌هایی چون تجدید رشد و توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط زیست، پیشگیری از شیوع امراض مهلک و معلولیت‌زا و دستیابی به عدالت اجتماعی و اقتصادی بیش‌تر (بند ۹). باید نسبت به کودکان معلول و نیز سایر کودکانی که در شرایط دشوار به سر می‌برند، توجه و حمایتی بیش‌تر مبذول گردد (بند ۱۱).

اعلامیه حقوق افراد مبتلا به عقب ماندگی ذهنی

تصویب اعلامیه حقوق افراد مبتلا به عقب ماندگی ذهنی^۱ در سال ۱۹۷۱ توسط مجمع عمومی سازمان ملل، گام مهمی در جهت حمایت از حقوق معلولان در اسناد بین‌المللی به شمار می‌رود. این اعلامیه در ۷ ماده تنظیم شده و بیش‌تر به شرایط زندگی معلولان توجه می‌کند. و

1. Declaration on the Rights of Mentally Retarded Persons (U.N Document, A/RES/2856, 20Dec1971). Available at: <http://daccessdds.un.org/doc/resolution/Gen/NRO/328/72/Img/Nr032872.pdf?openElement>.

حقوقی را در جهت حمایت از آنان به رسمیت شناخته و خواستار کمک دولت‌ها در اجرای مفاد آن گردیده است. در ماده ۱ این اعلامیه آمده است: «عقب مانده روانی حتی‌الامکان باید از همان حقوقی استفاده کند که انسان‌های دیگر از آن برخوردارند». در ماده ۲ به حق برخورداری از خدمات بهداشتی و امکانات آموزشی و پرورشی و توانبخشی اشاره شده است. در ماده ۳ موضوع اشتغال به کار عقب مانده روانی مورد بحث قرار گرفته و برای اینکه آنان از امنیت اقتصادی و رفاه در زندگی برخوردار گردند، حق آنان در اشتغال به کار تولیدی و یا هرگونه شغل مفید به رسمیت شناخته شده است. بنابراین دولت‌ها در جهت تحقق این اصل از اعلامیه باید موانع قانونی و استخدام را درباره کار معلولان از سر راه آنان بردارند تا به کاری که قادر به انجام آن می‌باشند، اشتغال ورزند و در قبال کار انجام شده از حقوق مکفی به منظور تأمین معاش خود برخوردار گردند. در ماده ۴ اعلامیه به لزوم زندگی فرد عقب مانده روانی در میان خانواده‌اش و یا نزد پدر و مادری که او را به فرزند قبول کرده‌اند، اشاره و اعطای کمک به خانواده وی مورد تأکید واقع شده است. امکانات و وسایلی که در اختیار شخص معلول قرار می‌گیرد باید به نحوی برنامه‌ریزی شود که مشوق وی در رسیدن به یک زندگی بهتر باشد و حتی‌المقدور این امکانات باید در میان خانواده او فراهم گردد و رفتار خانواده او باید همسان با کودکان عادی دیگر همان خانواده بوده و به او یاری دهند تا به استقلال و خودکفایی در امور شخصی مربوط به خود برسد. در ماده ۵ اعلامیه پیش‌بینی شده است، در صورتی که معلول به جهتی از جهات فاقد سرپرست قانونی باشد، مثلاً والدین خود را از دست داده یا از همدیگر متارکه نموده باشند، حفاظت و نگهداری معلول و اموال وی باید به عهده سرپرستی که صالح برای این کار باشد، قرار گیرد. در ماده ۶ اعلامیه، معلولان روانی در مقابل هرگونه استثمار و سوءاستفاده و یا رفتار خفت‌آور مورد حمایت قرار گرفته‌اند. علت تدوین چنین اصلی در اعلامیه واضح است. زیرا به جهت وضعیت خاص این قبیل افراد همواره در معرض شدیدترین آسیب‌های جسمی و یا روانی ناشی از رفتارهای غیر انسانی و سوءاستفاده و بهره‌کشی قرار دارند. ماده ۷ به حمایت قانونی از معلول اختصاص داده شده است. از آنجا که معلولان به ویژه آنهایی که دچار ناتوانی روانی و ذهنی هستند، ضرورتاً نمی‌توانند در قبال اتهاماتی که به آنان وارد می‌شود، از خود دفاع نمایند. اعلامیه حقوق عقب مانده‌های ذهنی پیش‌بینی نموده، چنانچه فرد معلول مورد پیگرد قانونی قرار گیرد، علاوه بر رسیدگی به اتهام او در یک نظام دادرسی

منظم و عادلانه، دادرس دادگاه در تعیین میزان مسؤولیت او باید قابلیت ذهنی او را مورد توجه قرار داده و با عنایت به وضعیت روانی و ذهنی او در خصوص میزان مسؤولیت او اتخاذ تصمیم نماید و به عبارت دیگر، دادگاه همواره در رسیدگی به عمل غیر قانونی معلول این نکته را در نظر داشته باشد که معلول روانی قابلیت ذهنی و روانی تکامل یافته‌ای ندارد و در نتیجه، میزان مسؤولیت او نیز در مقایسه با یک شخص سالم و عادی بسیار کم‌تر خواهد بود و علاوه بر این، شخص معلول و یا وکیل او باید بتوانند برای دفاع به اصل عدم مسؤولیت یا مسؤولیت محدود روانی که عاجز از تهیه و تدارک طرح اجرای عمل مجرمانه در ذهن خود و به عبارت دیگر، قصد مجرمانه می‌باشند، استناد نمایند تا از میزان مسؤولیت و مجازات او کاسته شده یا از آن معاف گردند.

اعلامیه حقوق معلولان

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در گام دیگری به منظور حمایت از حقوق معلولان در سال ۱۹۷۵ قطع‌نامه شماره ۳۴۴۷ خود را تحت عنوان «اعلامیه حقوق معلولان»^۱ از تصویب گذراند و از کلیه کشورها خواست تا اقدامات ملی و بین‌المللی خود را به منظور تثبیت این اعلامیه به عنوان مبنا و چهارچوب مشترکی برای حمایت از این حقوق گسترش دهند. آن طوری که از مقدمه این اعلامیه برمی‌آید، هدف از تصویب این اعلامیه ضرورت پیشگیری از ناتوانانی‌های جسمی و روحی و کمک به معلولان برای رشد قابلیت آنان در انجام فعالیت‌های مختلف و مشارکت هر چه بیش‌تر آنان در حیات اجتماعی است و به منظور پیشرفت در این زمینه کشورها می‌بایست اقدامات اساسی خود را در داخل کشور خود و یا در سطح بین‌المللی گسترش دهند، هر چند تهیه‌کنندگان این اعلامیه خود معتقد بوده‌اند که بعضی از کشورهای در حال توسعه به جهت محدودیت امکانات خود قادر به اقدامات گسترده‌ای در این زمینه نیستند. اعلامیه حقوق معلولان در ۱۳ ماده تنظیم گردیده و از ویژگی‌های آن، تعریفی است که از معلول

1. Declaration on the Rights of Disabled Persons (U.N Document, A/RES/3447, 9Dec1975). Available at: <http://www2.ohchr.org/english/law/res3447.htm>.

به دست داده و اشخاصی را که تحت عنوان فوق مشمول مقررات این اعلامیه می‌گردند، نیز معین نموده است. معلول از نظر این اعلامیه کسی است که به علت نقص جسمی و یا روحی (چه مادرزاد و چه غیرآن) تا حدی و یا به طور کلی از تأمین ضرورت‌های زندگی عادی فردی و یا اجتماعی ناتوان است، تعریف فوق بسیار کلی و وسیع و شامل کلیه افرادی است که به هر علتی ناتوانی جسمی و یا روحی دارند. در اعلامیه با تبعیت از اصل عدم تبعیض که در تمامی اسناد بین‌المللی جهان شمول معمول و مرسوم است، تأکید شده است که معلولان استحقاق برخوردار از تمام حقوق مندرج در اعلامیه را داشته و در اعطای این حقوق به معلولان نباید هیچ‌گونه استثنا و تمایز و تبعیض بر پایه نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت و مقام اجتماعی، میزان ثروت، وضع تولید یا هر وضع دیگری که به خود معلول یا به خانواده‌اش مربوط می‌شود، وجود داشته باشد، بنابراین کشورها از رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به معلولان منع شده و از آنان خواسته شده است که کلیه حقوق مندرج در این اعلامیه را بدون استثنا در مورد آنان به مرحله اجرا درآورند. هم‌چنین اعلامیه حقوق معلولین در حمایت از اشخاص ناتوان، حقوقی را برای آنان به رسمیت شناخته که بعضاً همان اصولی است که در اعلامیه حقوق عقب ماندگان ذهنی مورد تأکید واقع شده‌اند. اهم این حقوق عبارتند از: ۱- دارا بودن حقوق مساوی با سایر افراد؛ ۲- اهلیت برای دارا شدن حقوق مدنی و سیاسی مانند سایر افراد؛ ۳- حق برخورداری از معالجه پزشکی، روانی، ناتوانی، هم‌چنین حق آموزش؛ ۴- حق برخورداری از امنیت اقتصادی، اجتماعی موافق استعدادهای خود از جمله حق استخدام و اشتغال به حرفه معین؛ ۵- حق زندگی کردن با خانواده خود و یا خانواده‌ای که او را به فرزندپذیری قبول کرده‌اند؛ ۶- حق برخورداری از کمک حقوقی برای حمایت از حیات و دارایی معلول.

آنچه از مفاد این اعلامیه تلویحاً استنباط می‌گردد، این است که اعمال و اجرای این حقوق به عهده خانواده، جامعه و دولت است که هر یک به سهم خود در زندگی شخص معلول نقش مؤثری ایفا می‌کنند و هرچند در نهایت، دولت است که با امکانات وسیعی که در اختیار دارد باید خدمات بهداشتی، آموزشی و حرفه‌ای با توجه به حدود و میزان استعداد معلولان را فراهم آورد و نیازهای خاص معلولان را که هم‌چنین اعلامیه تعدادی از آنان را مشخص نموده در تمام

مراحل برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی خود مدت‌نظر قرار دهد. اعلامیه هم‌چنین توصیه می‌کند که معلولان باید در قبال هرگونه استثمار، مقررات و رفتار تبعیض‌آمیز، اهانت آمیز و ناشایست مورد حمایت قرار گرفته و قبل از اقدام و عملی در مورد حقوق معلولان و در کل مسایل مربوط به آنها با سازمان‌های معلولان مشورت شود و به علاوه، کلیه این اقدامات باید به نحوی صورت گیرد تا ضمن توجه به نیازهای خاص معلولان در تمام مراحل برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، معلولان بتوانند حتی‌المقدور متکی به خود بار آیند. و بالاخره، اعلامیه نسبت به اعطای کمک حقوقی به معلولان به منظور حفظ جان و اموال آنان تأکید و توصیه نموده و چنانچه معلولی به محاکمه کشیده شود، دادگاه باید وضعیت جسمی و روانی او را کاملاً در نظر بگیرد.

اصول حمایت از افراد دارای معلولیت ذهنی و توسعه مراقبت‌های سلامتی ذهنی

اعلامیه دیگری برای افراد دارای معلولیت ذهنی توسط مجمع عمومی در دسامبر ۱۹۹۱ طی ۲۵ اصل تصویب شد و در آن خواسته شد که اعلامیه در مجموعه اسناد حقوق بشری نگهداری شود.^۱ در مقدمه این اعلامیه تأکید شده که مقررات بدون هیچ گونه تبعیضی نسبت به افراد اجرا خواهد شد. طبق اصل ۱، افراد دارای بیماری ذهنی از حمایت از جمله در مورد سوءاستفاده اقتصادی، جنسی و هرگونه بهره‌برداری جسمی یا معنوی یا موارد مشابه برخوردار خواهند بود و از تمام حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی همانند سایر مردم بهره‌مند می‌باشند. آنان در موارد ضروری می‌توانند از نمایندگانی برای احقاق حقوق خود در دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی برخوردار شوند. در اصل ۱۸، معلول ذهنی از حق داشتن مشاور جهت حضور در رسیدگی‌های قضایی و دادگاه تجدیدنظر برخوردار است. طبق اصل ۲، فرد دارای معلولیت ذهنی از حق حیات و اشتغال در جامعه در حد امکان برخوردار است. در پایان اعلامیه تأکید شده که کشورها باید مکانیسم مناسبی برای ترویج اصول این اعلامیه فراهم نموده و راهکارهای لازم برای حمایت از معلولان ذهنی را فراهم آورند.

1. Principles for the Protection of Persons with Mental illness and for the Improvement of Mental Health Care. Available at: <http://daccessdds.un.org/doc/RESOLUTION/GEN/NR0/582/07/IMG/NR058207.pdf?OpenElement>.

قواعد استاندارد و برابری فرصت‌ها برای اشخاص دارای معلولیت

در سال ۱۹۸۲ مجمع عمومی سازمان ملل ضمن تصویب برنامه اقدام جهانی برای معلولان، دهه (۱۹۹۳-۱۹۸۳) را «دهه جهانی معلولان» اعلام کرد.^۱ بررسی‌ها بر عدم موفقیت این برنامه در کشورهای مختلف تأکید کرد و این باعث شد تا تکرار منطقه‌ای دهه معلولان را به ترتیب در آسیا (۲۰۰۲-۱۹۹۳) در آفریقا (۲۰۱۰-۲۰۰۱) و سال جهانی معلولان اروپا (۲۰۰۳) شاهد باشیم. مبتنی بر تجارب به دست آمده در دهه حقوق معلولان (۱۹۹۳-۱۹۸۳)، مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۳، «قواعد استاندارد بر پایه برابری فرصت‌ها برای افراد دارای معلولیت»^۲ را تدوین کرد. دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ از مجمع عمومی و شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد خواست که پیش‌نویس قواعد استاندارد و برابری فرصت‌ها را برای اشخاص دارای معلولیت در اجلاس‌های خود در ۱۹۹۳ مورد تصویب قرار دهند.

منشور حقوق بشر بین‌المللی شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هم‌چنین کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض بر ضد زنان، کنوانسیون حقوق کودک، برنامه اقدام جهانی مربوط به حقوق افراد دارای معلولیت، شامل پایه‌های اخلاقی و سیاسی برای قواعد استاندارد است. با وجود اینکه قواعد استاندارد اجباری نیستند، ولی می‌توان آنها را قواعد عرفی بین‌المللی دانست که توسط تعداد زیادی از دولت‌ها با هدف احترام به قواعد حقوق بین‌المللی اجرا می‌شوند. این قواعد اجرای تعهد قوی اخلاقی و سیاسی، از طرف دولت‌ها را برای برابری فرصت‌ها برای افراد دارای

1. World Programme of Action Concerning Disabled Persons (WPA) (A/RES/37/52, 3 Dec 1982). Available at: <http://www.un-documents.net/wpacdp.htm>.
<http://www.leeds.ac.uk/disability-studies/archiveuk/united%20nations/World%20Programme.pdf>.

هم‌چنین جهت مطالعه ترجمه آن نک: برنامه اقدام جهانی برای معلولین، ترجمه مهدی بابایی اهری، تهران، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

2. Standard Rules on the Equalization of Opportunities for Persons with Disabilities (A/RES/48/96, 20 Dec 1993). Available at: [http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf/\(symbol\)/A.Res.48.96.En?Opendocument](http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf/(symbol)/A.Res.48.96.En?Opendocument).

معلولیت به همراه دارد. اصول مهم برای مسئولیت، عمل و همکاری در این قواعد مشخص شده است. در قواعد استاندارد موارد پر اهمیت و تعیین‌کننده برای کیفیت زندگی و به دست آوردن مشارکت کامل و مساوات برای افراد دارای معلولیت مشخص شده‌اند. هم‌چنین اصول و ابزاری را برای سیاست‌گذاری و عمل برای افراد دارای معلولیت و سازمان‌های آنها پیشنهاد می‌کنند. این قواعد پایه‌هایی برای همکاری تکنیکی و اقتصادی در میان دولت‌ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی فراهم می‌کنند. هدف قواعد، اطمینان از آن است که زنان، مردان، پسران و دختران معلول به عنوان اعضای جوامع خود، از حقوق و وظایف دیگر اعضای جامعه برخوردار باشند. در تمام جوامع جهان هنوز موانعی برای اجرای حقوق و آزادی‌های افراد دارای معلولیت وجود دارد که آنها را برای مشارکت کامل در فعالیت جوامع خود با مشکل روبرو نموده است. از این رو، در زمره مسئولیت دولتهاست که اقدامات مقتضی را برای محو یک چنین موانعی انجام دهند. افراد دارای معلولیت و سازمان‌های ذیربط باید یک نقش فعال به عنوان شرکای این فرآیند داشته باشند. برابری فرصت‌ها برای افراد دارای معلولیت یک شرط لازم در کوشش‌های جهانی برای بسیج منابع انسانی است. قواعد استاندارد تغییری را در نگرش و رهیافت ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر به طرف معلولیت ایجاد کرد که پایه آن به برنامه جهانی اقدام برای افراد دارای معلولیت بر می‌گردد. پیدایش تکنولوژی جدید، کشفیات پزشکی و نظریات علوم اجتماعی کمک زیادی به این توسعه در جامعه بین‌المللی کرد. قواعد استاندارد، تلفیقی از دو دسته قواعد برای حمایت از افراد دارای معلولیت هستند: هم الزاماتی را برای ارائه خدمات فردی (قواعد مربوط به مراقبت پزشکی، توانبخشی، خدمات حمایتی) مطرح می‌کنند و هم چارچوبی را برای مشارکت فرد در جامعه فراهم می‌کنند (مصفا، همان، صص ۲۶۱-۲۶۳).

کنوانسیون حقوق معلولان و پروتکل اختیاری آن

در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل کنوانسیون حقوق معلولان و یک پروتکل اختیاری مربوط به آن را تصویب کرد.^۱ بی تردید محور اصلی این پیمان‌نامه قطع‌نامه ۴۸/۹۶ مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی است که در ۲ بخش و ۱۲ فصل تنظیم و عنوان «قواعد استاندارد بر پایه برابری فرصت‌ها برای افراد دارای معلولیت» بر آن نهاده شده بود. این اولین کنوانسیون سازمان ملل در هزاره سوم و قرن بیست و یکم است. در کنوانسیون‌های قبلی تنها در یک ماده (ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک) به معلولان اشاره شده بود. در حالی که اینک یک کنوانسیون به تنهایی در این زمینه نگاشته شده است. این اولین کنوانسیون است که در تاریخ سازمان ملل، در اولین روز گشوده شدن برای امضا، ۸۱ کشور و اتحادیه اروپا^۲ آن را امضا کردند، ۴۴ کشور نیز پروتکل اختیاری آن را امضا کردند.^۳ تا پایان دسامبر ۲۰۰۷ جمعاً ۱۲۰ کشور کنوانسیون و ۶۷ کشور نیز پروتکل اختیاری آن را امضا کردند.^۴ به نظر می‌رسد جامعه

1. Convention on the Rights of with Disabilities (CRPD) and CRPD Optional Protocol were adopted during the 61st session of the General Assembly: see GA Res. 61/611; 15 IHRR 255. See Disabilities-Handbook on the Convention on the Rights of with Disabilities and its Optional Protocol, (Geneva: OHCHR, 2007), available at: <http://www.ohchr.org/english/about/publications/docs/Exclusion Equality Disabilities.pdf>.

۲. کنوانسیون حقوق معلولان و پروتکل اختیاری آن اولین کنوانسیون حقوق بشر امضا شده توسط اتحادیه اروپا است. به موجب بند ۴ ماده ۴۴ کنوانسیون حقوق معلولان، «سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای در زمینه موضوعاتی که در حیطه صلاحیت آنان می‌گنجد، می‌توانند از حق رأی دادن در کنفرانس کشورهای عضو، با تعداد آرای برابر با تعداد کشورهای عضو سازمان که اعضای پیمان‌نامه حاضر هستند، برخوردار گردند. در صورتی که هر یک از کشورهای عضو سازمان‌های مذکور، حق خود در رأی دادن را اعمال نمایند، در آن صورت، چنین سازمانی نمی‌تواند در رأی دادن شرکت نماید و بالعکس».

3. Report of the Secretary-General as to the Status of the Convention on the Rights of Persons with Disabilities and the Optional Protocol, 14 August 2007, A/62/230, at Para. 4, available at:

<http://www.ohchr.org/english/issues/disability/docs/A.62.230.en.doc>. See also UN Press Release, Record number of countries sign UN treaty on disabilities on opening day, 30 March 2007, available at:

<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=22085&Cr=disab&Cr1=>.

۴. مجموعه کاملی از اخبار، اطلاعات و اظهارنظرها در این خصوص را می‌توانید در آدرس زیر پیگیری کنید:

<http://www.un.org/esa/socdev/enable/index.html>.

جهانی در آغاز قرن بیست و یکم بیش از گذشته به موضوع حضور جمعیت ۶۵۰ میلیونی معلولان می‌اندیشد و تنها راه ایفای حقوق این بزرگ‌ترین گروه اقلیت همگی جوامع را اجرای کنوانسیون جهانی دانسته است تا همگان با رعایت آن برای حضور بیش‌تر معلولان در صحنه‌های جوامع و ایفای نقش در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور خود گام بردارند. هنوز افراد معلول در جوامع از وجود برچسب‌های مختلف و نابرابری در رسیدن به فرصت‌ها رنج می‌برند و این نه تنها در فرصت‌های اقتصادی که در فرصت‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز وجود دارد. هنوز هم نگاه ترخ‌آمیز و صدقه‌ای بر نهادهای خدمت‌رسان به معلولان حاکم است و بزرگ‌ترین نیاز جامعه معلولان به رسمیت شناخته‌شدن آنان به عنوان شهروندان درجه یک است تا از همه آن حقوقی که سایرین در جامعه، بهره می‌برند، برخوردار شوند. این امر بر لزوم تغییر نگرش مردم و دست‌اندرکاران امور مختلف جامعه در مورد افراد معلول بار دیگر تأکید می‌کند. این را شاید بتوان روح حاکم بر کنوانسیون دانست. در سایه اجرای این کنوانسیون امید می‌رود تا با تضمین‌های ملی و بین‌المللی راه برای ایفای نقش مثبت، سازنده و شهروندی کامل از سوی معلولان در جوامع فراهم شود، و محرومیت‌های این قشر با سرعت بیش‌تری کاهش یابد.^۱

۱. در نگاه داخلی، از دغدغه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، شناخت، تثبیت و عنایت بخشیدن حقوق معلولان بوده است. تبلور عینی آن را می‌توان در تصویب لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور (مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۴ شورای انقلاب) جستجو نمود. به وضوح روشن است که نظام در اولین گام‌هایی که برمی‌داشت به این قشر عزیز توجه ویژه داشته است. این نگاه به صورت پراکنده در قوانین متعددی که به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز رسیده است به چشم می‌خورد، و این امر خود نشان از جامعه مترقی و پیشرفته اسلامی دارد که محقق ساختن حقوق برابر و مساوی آحاد جامعه را در سرلوحه کار خود قرار داده است. تصویب قانون جامع حقوق معلولان در ۱۶ ماده و ۲۴ تبصره و ۷ آئین‌نامه (مصوب ۱۳۸۳) این امید را متبلور ساخت که نگاه جامع به همراه دارد. با وجود تصویب چند آئین‌نامه اجرایی و دستورالعمل، بخش اندکی از آنها وضعیت اجرایی به خود گرفته‌اند. با این حال، وجود قانون از آن چنان اهمیتی برخوردار است که شوق فراوانی در بین معلولان برانگیخته است. باید بدانیم مطابق با سرشماری سال ۱۳۸۵، تعداد ۱۰۱۲۲۲۲ نفر معلول در کشور وجود دارد (به نقل از سایت مرکز آمار ایران به آدرس: http://www.sci.org.ir/content/userfiles/_sci/sci/SEL/ayamidan/14-5.html). که کم‌ترین توقع و انتظار آنها اجرای صحیح و به موقع قانون مزبور می‌باشد. خیر تصویب کنوانسیون نیز موج خوشحالی فراوانی در بین این گروه در ایران ایجاد کرده، این در حالی است که در این زمینه می‌توان به دو نکته حایز اهمیت اشاره کرد: اول اینکه ما در سال ۱۳۸۳، قانون جامع حقوق معلولان را در مجلس تصویب کرده‌ایم. هر چند این قانون با مشکلات و مسایلی روبه‌رو است که باید در تجدیدنظر جبران شود، اما این پیشگامی خود دلیلی است که ما می‌توانستیم در امضای کنوانسیون نیز جزء پیشگامان باشیم. نگاه اسلامی ما به موضوع نشان می‌دهد که وظیفه‌ای دو چندان نسبت به تضمین حقوق انسانی این قشر از جامعه داریم. دوم اینکه امکان امضای کنوانسیون به صورت مشروط (Optional) نیز وجود دارد که تعداد زیادی از کشورها به همین شیوه امضا کرده‌اند تا در هنگام تصویب آن در پارلمان‌های خود نسبت به موارد خاصی که مغایر با قوانین جاری خود است، اقدام کنند. امید می‌رود ما نیز هر چه زودتر با پیوستن بدان و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی، زمینه را برای تحقق کامل حقوق نادیده انگاشته شده آنها در ادوار تاریخی فراهم کنیم (برای مطالعه قوانین، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به معلولان در حقوق موضوعه ایران نک: احمد باختر، حقوق معلولان در قوانین ایران، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۶؛ درباره راهکارهای اجرایی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان نک: پاشنه آتیل قانون جامع [میزگرد روزنامه اطلاعات درباره موانع اجرایی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان] ضمیمه روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۵، شماره ۶-۷، ص ۳۳۷۹).

الف- ویژگی‌های کنوانسیون

۱. رویکرد انسانی

مواد کنوانسیون برآمده از ذهنیتی شفاف و واقع‌گرایانه نسبت به پدیده معلولیت است. فرد معلول در این کنوانسیون انسانی چون سایر افراد بشر تعریف شده، که تنها خواهان «فرصت‌های برابر اجتماعی» و «احقاق حقوق» خود است. طبق ماده ۱ «هدف از این کنوانسیون پیش‌برد، حمایت و حصول اطمینان از برخورداری مساوی همه معلولان از حقوق انسانی، آزادی‌های اساسی و افزایش احترام به حرمت ذاتی آنها می‌باشد» این رویکرد، که دقیقا با آموزه‌های اسلامی مطابقت دارد، ملهم از اعلامیه‌ها و اسناد جهانی بسیاری است، که طی سال‌ها و بر اساس تجارب جوامع بشری در سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. براساس این میثاق‌نامه، فرد معلول دارای همه ویژگی‌های ذاتی و جامع‌کنش‌ها و واکنش‌های غریزی، فطری، عاطفی و... است. نمی‌توان «به صرف معلول بودن» در حق وی تبعیض روا داشت (بند ح مقدمه)؛ نمی‌توان به حریم خصوصی او «در امور شخصی، فامیلی، خانگی، مراودات و سایر موارد ارتباطی» تعدی کرد (بند ۱ ماده ۲۲)، نمی‌توان حقوق مسلم او را در زمینه‌ی ازدواج، خانواده، مراقبت از فرزندان، حق آزادانه‌ی انتخاب همسر، حفظ قدرت باروری، سرپرستی، تولید و فرزندخواندگی، جدایی از والدین، نیز حق ثبت تولد، داشتن اسم، برخورداری از ملیت (بند ۲ ماده ۱۸) و... نادیده گرفت؛ نمی‌توان «بدون رضایت آزادانه‌اش» وی را «تحت مطالعات علمی و پزشکی قرار داد» (بند ۱ ماده ۱۵)؛ نمی‌توان او را در زمان «درگیری‌های نظامی و اشغالگری توسط نیروی‌های خارجی» (بند ۴ مقدمه) یا هنگام «فوریت‌ها و حوادث طبیعی» (ماده ۱۱) به حال خود رها کرد؛ و در یک کلام نمی‌توان «حق زندگی» (ماده ۱۰)، و «موجودیت فردی» (ماده ۱۷) وی را انکار کرد.

۲. جامعیت کنوانسیون

کنوانسیون حقوق معلولان را می‌توان «مانیفست افراد معلول» نام نهاد. تقریبا همه ابعاد و وجوه اساسی زندگی معلولیتی در مواد و بندهای این پیمان‌نامه منعکس شده است. کنوانسیون با نگرشی واقع‌بینانه به پدیده معلولیت و مشکلات و کمبودهای افراد معلول در سطح جهان تدوین شده است، از این رو، قابلیت اجرایی و عملیاتی بسیاری دارد. کنوانسیون هرگز وارد

مسایل ریز، جنبی، حاشیه‌ای و مصداقی نمی‌شود، اما تقریباً به همه‌ی نیازهای افراد معلول عنایتی شایسته و بایسته داشته است. نگاهی به عناوین مواد کنوانسیون مبین جامعیت این سند جهانی است. کنوانسیون ضمن تأکید بر «کرامت ذاتی» افراد معلول بسان همه انسان‌ها و لزوم برخورداری از «آزادی»، «حق انتخاب»، «حق دسترسی»، «عدم تبعض» به مسایلی چون «اشتغال»، «تحصیل»، «زندگی خانوادگی»، «مساعدت‌های قضایی» و حتی تطابق قانون کپی رایت با الزام دسترسی غیر تبعیض‌آمیز معلولان با منابع فرهنگی و آمد و شد آزادانه در مکان‌های ملی و تاریخی و.. اشاره دارد.

۳. توجه ویژه به زنان و کودکان معلول

اگر چه پیش‌تر به طور گذرا در کنوانسیون‌های جهانی حقوق زن و کودک، اشاراتی به تأمین حقوق فردی و جمعی زنان و کودکان معلول شده است، اما کنوانسیون حقوق معلولان در چندین ماده به صراحت بر رعایت حقوق فردی و جمعی زنان و کودکان (به عنوان اقشاری که بیش‌تر در معرض آسیب و تضییع حق قرار دارند) تأکید ورزیده است (بندهای ص، ض، ط، ع مقدمه، ماده ۶، ماده ۷، بندهای ۲ و ۵ ماده ۱۶، بند ۲ ماده ۱۸، ماده ۲۳، بندهای ب و پ ماده ۲۸).

۴. انطباق‌پذیری ملی

کنوانسیون ماهیتی فرا ملی دارد، اما به خوبی توانسته است، شعار «جهانی اندیشیدن و ملی عمل کردن» را در ذات خود پیروراند. به جرأت می‌توان ادعا کرد که با وجود جامعیت کنوانسیون در احقاق حقوق کم‌رنگ شده یا از دست رفته معلولان خاصه در کشورهای درگذر از رشد و توسعه، می‌توان به قابلیت اجرایی و عملیاتی عمده مواد و مفاد آن، ولو به تدریج و همسو با تغییرات نگرشی و ساختارسازی‌های مناسب، امیدوار بود.

۵. تدوین کنوانسیون از سوی افراد معلول

به نظر می‌رسد، کنوانسیون حقوق معلولان تنها کنوانسیون مصوب سازمان ملل متحد باشد، که مخاطبان آن در تدوین آن نقشی اساسی داشته‌اند. این کنوانسیون عمدتاً حاصل خرد جمعی شمار زیادی از افراد معلول صاحب نظر و سازمان‌های غیردولتی معلولان است. جامعیت بالای کنوانسیون مرهون تلاش کسانی است، که از دور دستی برآتش نداشته، و با گوشت و پوست و

تک تک سلول‌های خود، تک تک مواد کنوانسیون و تبصره‌های ذیل آن را حس کرده و بدان رنگ کلام بخشیده‌اند. بنابراین، محل شگفتی نیست که کنوانسیون ملهم از توفیق مشاوره با معلولان و نهادهای مدنی وابسته به ایشان در تدوین کنوانسیون، دولت‌ها را به استفاده از نظرات کارشناسی معلولان دعوت کرده و بر نظارت افراد معلول بر چگونگی اجرای کنوانسیون (مواد ۴ و ۲۳) تأکید بورزد.

۶. اهمیت نمادین کنوانسیون به عنوان اولین پیمان نامه جهانی در هزاره سوم

وضع کنوانسیون حقوق معلولان به عنوان اولین سند جهانی در این سطح، در هزاره سوم، گرچه فی نفسه اعتبار ویژه‌ای ندارد، اما به شکلی سمبلیک موجب خرسندی افراد معلول و حامیان جنبش حقوق مدنی معلولان شده است، و مخاطبان کنوانسیون آن را به فال نیک گرفته‌اند.

۷. القای روح امید در کشورهای توسعه نیافته

هر چند مشکلات و دشواری‌های افراد معلول جهان شمول است، و در جوامع توسعه یافته نیز می‌توان از تبعیض‌ها، تنگناها و موانع فراروی معلولان سخن گفت، اما حدیث معلولان در کشورهای در حال رشد و توسعه تلخی مضاعف دارد. کافی است، بدانیم طبق گزارش برنامه توسعه سازمان ملل ۸۰ درصد از افراد معلول در این کشورها زندگی می‌کنند، که غالباً فقیرترین و محروم‌ترین افراد جوامع خود محسوب می‌شوند. آمارهای یونسکو نیز از جمعیت ۹۰ درصدی کودکان معلول در کشورهای در حال توسعه خبر می‌دهد، که در کلاس درس حاضر نمی‌شوند.

در چنین فضای سردی، تصویب کنوانسیون از سوی حاکمیت‌های فقیر و توسعه نیافته، در بدبینانه‌ترین فرض موجود، تلنگری است، به مسؤولان دولتی که در مورد وظایف و اقدام خود در خصوص معلولان بازبینی کنند و در ماهیت کنوانسیون، چرایی و علل تدوین آن از سوی مهم‌ترین سازمان بین‌المللی تأمل و تدبّر کند. کنوانسیون از دید معلولان این مناطق نیز «هدیه‌ای آسمانی» است، که خودباوری آنان را تقویت کرده و ضریب اعتماد به نفسشان را افزایش می‌دهد. آنان در می‌یابند، که تنها نیستند و میلیون‌ها نفر در جهان به مسایلی می‌اندیشند، که او می‌اندیشد، و آرمان مدنی او را تعقیب می‌کنند.

ب- نگاهی به اهم مفاد کنوانسیون حقوق معلولان

کنوانسیون حقوق معلولان از یک مقدمه و ۵۰ ماده تشکیل شده که حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معلولان را به طور کامل ترسیم می‌کند. کنوانسیون در صدد ایجاد حقوق جدید برای معلولان نیست و با در نظر گرفتن زمینه معلولیت، تعهدات پیش روی دولت‌ها را در قبال معلولان به وضوح بیان می‌کند.^۱ این کنوانسیون با توجه به منشور حقوق بشر و به لحاظ تمامی موارد کنوانسیون‌های حقوق بشر تهیه شده است.

۱. اهداف کنوانسیون

طبق ماده ۱، کنوانسیون با هدف ارتقا، حمایت و تضمین بهره‌مندی کامل و برابر تمامی افراد معلول از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ترویج احترام به کرامت ذاتی آنها می‌باشد. به علاوه افرادی که از ناتوانی جسمی، ذهنی، فکری، حسی، و حرکتی دایم رنج می‌برند و کنش متقابل با موانع اجتماعی و روانی مانع از حضور مؤثر و نخبگی‌شان در عرصه جامعه بر پایه برابری با دیگران است، در این کنوانسیون به عنوان افراد معلول تعریف شده‌اند. در راستای اهداف کنوانسیون ماده ۲ می‌گوید: «تبعیض بر مبنای ناتوانی»^۲ به معنای هرگونه تمایز، طرد یا محدودیت بر اساس ناتوانی است که هدف یا تأثیر آن ایجاد اختلال یا از میان بردن حق شناسایی، بهره‌مندی یا احقاق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین به میزان برابر با سایرین در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سایر حوزه‌ها می‌باشد. این مورد شامل کلیه اشکال تبعیض از جمله نفی تسهیلات منطقی می‌شود. «تسهیلات منطقی»^۳ به معنای تغییرات و اصلاحات ضروری و لازمی هستند که بدون تحمیل فشارهای نامتجانس یا غیرضروری، هرگاه در مورد خاصی ضرورت یابند، بهره‌مندی و یا تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را برای افراد معلول، به میزان برابر با سایرین تضمین می‌نمایند.

1. Katherine Guernsey, Marco Nicoli and Alberto Ninio, *Convention on the Rights of Persons with Disabilities: Its Implementation and Relevance for the World Bank*, Washington, June 2007, p.4. available at: <http://siteresources.worldbank.org/SOCIALPROTECTION/Resources/SP-Discussion-papers/Disability-DP/0712.PDF>.
2. Discrimination on the basis of disability.
3. Reasonable accommodation.

اصولاً تعریف تبعیض بر مبنای ناتوانی شامل «تسهیلات منطقی» نیز می‌شود. این امر در ماده ۵ (برابری و عدم تبعیض) تقویت می‌شود، که شامل توضیحاتی برای تضمین تسهیلات منطقی است (روسی ماری و فرانک، ۲۰۰۸، ص ۲۷).

۲. اصول کلی کنوانسیون

طبق ماده ۳، اصول کلی کنوانسیون موارد ذیل است:

- احترام به کرامت ذاتی، خود مختاری فردی از جمله آزادی انجام انتخاب شخصی و استقلال فردی؛
- عدم تبعیض؛
- مشارکت کامل و ثمربخش و تلفیق در جامعه؛
- احترام به تفاوت‌ها و پذیرش افراد معلول به عنوان بخشی از تنوع انسانی و بشریت؛
- برابری فرصت‌ها؛
- دسترسی؛
- احترام به ظرفیت‌های در حال رشد کودکان معلول و حرمت قایل شدن برای حق کودکان معلول در حفظ هویت خودشان.

۳. تعهدات عام کشورهای عضو کنوانسیون

طبق ماده ۴، کشورهای عضو اذعان دارند که تمامی افراد در پیشگاه قانون برابر بوده و بدون هیچ تبعیضی از حمایت یکسان و سود برابر از قانون برخوردارند. کشورهای عضو باید هرگونه تبعیض را بر مبنای معلولیت ممنوع کرده و حمایت قانونی مؤثر و برابر را بر ضد تبعیض در تمام زمینه‌ها برای افراد معلول تضمین نمایند. به منظور تشویق برابری و رفع تبعیض، کشورهای عضو باید تمامی اقدامات لازم را در جهت تضمین برقراری تسهیلات منطقی به کار بندند. اقدامات خاصی که در تسریع یا دستیابی به برابری واقعی افراد معلول در قالب کنوانسیون حاضر ضروری است، نباید به عنوان تبعیض انگاشته شود.

۴. حمایت خاص از زنان و کودکان معلول

ماده ۶ کنوانسیون از دولت‌های عضو می‌خواهد از زنان و دختران معلول که در معرض تبعیض‌های متعدد قرار دارند، حمایت کنند و اقدامات مقتضی برای امکان نفع کامل از حقوق

بشر و آزادی‌های اساسی اتخاذ نمایند، و تمامی اقدامات لازم را در جهت کسب اطمینان از توسعه، پیشرفت و توانمندی کامل زنان، به منظور تضمین تحقق و بهره‌مندی کامل آنان از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مذکور در این کنوانسیون به کار بندند. ماده ۷ از دولت‌های عضو کنوانسیون درخواست می‌کند، همه اقدامات ضروری را در جهت تضمین بهره‌مندی کامل کودکان معلول از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، به میزان برابر با سایر کودکان به عمل آورند، و در تصمیماتی که با وضعیت کودک معلول مرتبط است، نفع عالی کودکان را به طور عمده در نظر گیرند. به علاوه، اعضای کنوانسیون صریحاً از حق آزادی بیان و عقاید کودکان معلول، درباره مسایل مبتلا به - با توجه به سن و میزان بلوغ آنها بر پایه برابر با سایر کودکان - حمایت به عمل آورند.

۵. مسئولیت دولت‌ها در قبال معلولان

طبق ماده ۸، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند، اقدامات فوری، مؤثر و مناسب ذیل را دنبال نمایند: مجموعه جامعه، خانواده‌ها با درک شرایط معلولان در قبال ارتقا و احترام حقوق و شأن این افراد احساس مسئولیت کنند. شایسته است با پیش دآوری‌های کلیشه‌ای و رویه‌های خطرناک مرتبط با سن، جنس و استعداد افراد معلول مقابله شود و توانایی‌ها و خلاقیت‌های افراد معلول برای انطباق با جامعه، شناسایی شود. بنابر ماده ۱۰، دولت‌های عضو تأیید می‌کنند، حق حیات جزئی از حقوق لاینفک آحاد بشر و معلولان است و اقدامات مقتضی را برای حفاظت و صیانت از «حق حیات» افراد معلول بر پایه برابری با دیگران در پیش گیرند.

۶. تأکید بر برابری در پیشگاه قانون

طبق ماده ۱۲، کشورهای عضو تأیید می‌کنند که افراد معلول از حق شناسایی در پیشگاه قانون برخوردار هستند (بند ۱). در بند ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون مانند ماده ۱۰، به حق حیات و بهره‌مندی معلولان از مزایای حقوقی به میزان برابر با سایرین در تمامی جنبه‌های حیات اشاره می‌کند. کشورهای عضو هم‌چنین باید اقدامات لازم را در جهت تأمین دسترسی افراد معلول به حمایت‌هایی که در احقاق مزایای حقوقی خود به آن نیازمند هستند، به عمل آورند (بند ۳). ماده ۱۲ در ادامه می‌گوید: کشورهای عضو باید تضمین کنند که کلیه اقدامات مرتبط با احقاق مزایای حقوقی را به منظور عرضه صیانت‌های لازم و کافی در جهت پیشگیری از سوءرفتار منطبق با

قانون بین‌المللی حقوق بشر تأمین خواهند نمود. این صیانت‌ها باید تضمین کنند که اقدامات مرتبط با احقاق مزایای حقوقی به حقوق اراده و تمایلات افراد حرمت قایل شده، فارغ از تعارض منافع و تأثیرات اجباری بوده و متناسب و سازگار با شرایط فرد باشد (بند ۴). ماده ۱۲ در بند ۵ می‌گوید: کشورهای عضو باید کلیه اقدامات لازم و کافی را به منظور تضمین حقوق برابر معلولان در مالکیت، ارث، کنترل منابع پولی، بهره‌های بانکی و سایر اشکال اعتبارات مالی بر پایه برابری با دیگران به عمل آورند. کنوانسیون در ماده ۱۳ به حق دسترسی ثمربخش به محاکم برای افراد معلول، به میزان برابر با سایرین اشاره می‌کند.

۷. بهره‌مندی از آزادی و امنیت فردی

بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون خواهان حمایت‌های ذیل از افراد معلول بر پایه برابری با دیگران است:

- بهره‌مندی از حق آزادی و امنیت فردی؛
- از آزادی‌های اساسی به طور مستبدانه و غیرقانونی محروم نگردند؛
- مطابق قوانین در هیچ اوضاع و احوالی وجود معلولیت، محرومیت از آزادی را نفی و توجیه نمی‌کند.

طبق بند ۲ ماده ۱۴، دولت‌های عضو مراقبت می‌نمایند که چنانچه افراد معلول در نتیجه اقامه دعوای ناعادلانه از آزادی محروم گشته‌اند، از حمایت‌های حقوقی پیش‌بینی شده، طبق معاهدات حقوق بین‌الملل و حقوق بشر و اصول و اهداف کنوانسیون بهره‌مند گردند. ماده ۱۵ به «حق مصونیت از شکنجه یا رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز» اشاره دارد. ماده ۱۶ به «مصونیت از بهره‌کشی، خشونت و سوءاستفاده» می‌پردازد. ماده ۱۷ به صیانت از تمامیت جسمی و ذهنی معلول به میزان برابر با سایرین اشاره می‌کند. کنوانسیون طبق ماده ۱۸ حق رفت و آمد آزادانه، حق انتخاب آزادانه محل اقامت و حق تابعیت افراد معلول را بر پایه برابری با دیگران به رسمیت می‌شناسد. ماده ۱۹ کنوانسیون نیز به حق «زندگی مستقل و تلفیق در جامعه» اشاره می‌کند و چنین مقرر می‌دارد: کشورهای عضو کنوانسیون حق برابر تمام افراد معلول را برای زندگی در جامعه با حق انتخاب برابر با دیگران به رسمیت شناخته و اقدامات ثمربخش و مناسب را به منظور تسهیل بهره‌مندی کامل معلولان از این حق و تلفیق و مشارکت کامل آنان در جامعه به عمل خواهند آورد. طبق ماده ۲۰، دولت‌های عضو کنوانسیون اقدامات کارآمد برای تضمین و ارتقای بازتوانی و تحرک شخصی افراد معلول را با امکان افزایش

خودمختاری و استقلال عمل آنها فراهم می‌کنند. کشورهای عضو هم‌چنین باید تمامی اقدامات لازم را در جهت تضمین اینکه افراد معلول از حق آزادی بیان و عقیده از جمله جستجو و ارایه اطلاعات به میزان برابر با سایرین و از طریق تمامی گونه‌های ارتباطی به انتخاب خودشان، به عمل آورند (ماده ۲۱). ماده ۲۲ به حق احترام به حریم خصوصی معلولان می‌پردازد. ماده ۲۳ به حق احترام به خانه و خانواده اشاره دارد. کنوانسیون در مواد بعد به طور مبسوط به حقوق بنیادین معلولان چون حق آموزش (ماده ۲۴)، بهداشت (ماده ۲۵)، توانبخشی و بازتوانی (ماده ۲۶)، کار و اشتغال^۱ (ماده ۲۷)، تأمین اجتماعی (ماده ۲۸)، مشارکت در حیات سیاسی و عمومی (ماده ۲۹)، مشارکت در حیات فرهنگی، اوقات فراغت، تفریحات و ورزش (ماده ۳۰) می‌پردازد. در اهمیت و نقش سازنده کنوانسیون حقوق معلولان تردیدی نیست. رئیس «محکمه اروپایی معلولیت»^۲ در حالی که در مورد «انجمن بین‌المللی معلولیت»^۳ صحبت می‌کرد، مفتوح بودن کنوانسیون حقوق معلولان برای امضا را استعاره از پرتویی در تاریکی گرفت، و از

۱. یکی از اسناد بین‌المللی که به طور خاص ناظر به اشتغال معلولان است «مقاله نامه شماره ۱۵۹ ناظر بر نوتوانی حرفه‌ای و اشتغال اشخاص معلول مصوب ۱۹۸۳» می‌باشد. - این مقاله نامه در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۵ قوت قانونی یافت - کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار که به دعوت هیأت مدیره دفتر بین‌المللی کار در تاریخ اول ژوئن ۱۹۸۳ برای شصت و نهمین نشست خود در ژنو گرد آمده بودند، با توجه به استانداردهای بین‌المللی موجود در «توصیه‌نامه نوتوانی حرفه‌ای معلولان ۱۹۵۵» و «توصیه‌نامه ناظر بر توسعه نیروی انسانی ۱۹۷۵» و با توجه به اینکه پس از پذیرش «توصیه‌نامه نوتوانی حرفه‌ای معلولان ۱۹۵۵» تغییرات و تحولات زیادی در تشخیص نیازهای نوتوانی، حوزه عمل و سازمان دستگاه‌های مسؤول خدمات نوتوانی و قوانین و مقررات بسیاری از کشورهای عضو در زمینه تحت پوشش توصیه‌نامه مذکور پیش آمده است و با توجه به اینکه سال ۱۹۸۱، از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان «سال معلولان» نامگذاری شده و هدف اصلی آن را نیز «مشارکت و برابری کامل» اعلام کرده‌اند و هم‌چنین با توجه به اینکه برای نیل به هدف «مشارکت کامل معلولان در زندگی و توسعه اجتماعی» و «برابری کامل آنها» تهیه یک برنامه عملیاتی جامع و جهانی در مورد معلولان لازم خواهد بود، و با توجه به اینکه تحولات یاد شده، پذیرش و تصویب استانداردهای بین‌المللی جدیدی را در زمینه مورد بحث ضرورت بخشیده است، و به ویژه این نیاز احساس می‌شود که برابری فرصت‌های نوتوانی و اشتغال برای تمام انواع معلولان، در شهر و روستا، به قصد ادغام آنان در بازار کار و در جامعه به بهترین وجه تأمین گردد؛ مقرر داشت این پیشنهادات باید به صورت مقاله‌نامه در آید (مقدمه مقاله نامه). برای ملاحظه متن ترجمه شده مقاله‌نامه فوق‌الذکر نک: فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۴۴ - ۲۴۸.

2. European Disability Forum.

3. International Disability Caucus (IDC).

«برتولت برشت»^۱ چنین نقل کرد: «کسانی هستند که در تاریکی زندگی می‌کنند، در حالی که دیگران در روشنایی به سر می‌برند، ما آنها را که در روشنایی روز زندگی می‌کنند، می‌بینیم؛ هم آنها را که در تاریکی هستند. این کنوانسیون است برای خروج این افراد از تاریکی به سوی روشنایی» (روسی ماری و فرانک، ۲۰۰۸، ص ۳).

نتیجه

تاریخ مشخصی برای حضور معلولان در جامعه بشری نمی‌توان ذکر کرد، زیرا به نظر می‌رسد این گروه در طول تاریخ حضور داشته‌اند، لیکن هرگاه سخنی هم از آنان به میان آمده با نگرشی همراه با ترحم یا عناد و درستی برخورد شده است، بدان سان که گویی جامعه اصولاً به آنها نیازی نداشته و ندارد. اما حکایت تاریخ سخت آموزنده است، آنچه دنیای امروز شاهد آن است، شکل‌گیری نهضتی است تا حقوق اولیه این گروه عظیم را به آنان بازگرداند. گروهی که در طول تاریخ سخت‌ترین محرومیت‌ها و آسیب‌ها را دیده‌اند، این روزها به آنچه همیشه خواسته‌اند (قبول و پذیرفته‌شدن به عنوان انسان‌هایی که حق حیات و زندگی همچون دیگر شهروندان دارند) نزدیک شده‌اند و این امر از مسیر «کنوانسیون حقوق معلولان» محقق می‌شود. کنوانسیون در مورد بزرگ‌ترین اقلیت غیرنژادی در جهان است که جمعیتی بالغ بر ۶۵۰ میلیون نفر (قریب ده درصد جمعیت جهان) را شامل می‌شود. تعمق در متن کنوانسیون نشان‌دهنده آن است که تقریباً تمامی جنبه‌های انسانی و حقوقی مرتبط با افراد دارای ناتوانی به خوبی پوشش داده شده است و کشورها می‌توانند به راحتی با داشتن حق تحفظ نسبت به تصویب و اجرای کنوانسیون در حیطه مقررات و قوانین خود اقدام کنند. کشورهای منطقه خاورمیانه از جمله ایران، در اثر بلایای طبیعی، امراض وراثتی، جنگ‌های خانمان سوز، معلولان و جانبازان بسیاری را در بین جمعیت خود دارند. به نظر می‌رسد، این گونه کشورها در پرتو همکاری با کمیته حقوق معلولان (ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق معلولان) و مجمع عمومی سازمان ملل و با عضویت در کنوانسیون می‌توانند به سمت رفع سریع‌تر مشکلات معلولان و جانبازان خود گام بردارند.

1. Bertolt Brecht.

منابع و مأخذ:

۱. بختیار نژاد، پروین (۱۳۸۴)، "بزرگ‌ترین اقلیت اجتماعی و محرومیت از حقوق انسانی"، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۶، صفحات ۱۸۲-۱۶۹.
۲. برجیان، منصور (۱۳۷۶)، "نوابغ و مشاهیر معلول جهان"، سرشش.
۳. "برنامه اقدام جهانی برای معلولان" (۱۳۷۲)، سازمان ملل متحد، ترجمه مهدی بابایی اهری، تهران، نشر سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول.
۴. بسته نگار، محمد (۱۳۸۰)، "حقوق بشر از منظر اندیشمندان"، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۵. بیگدلی، محمد رضا (۱۳۷۹)، "معلولین نامدار ایران و جهان"، سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
۶. پاشنه آشیل (۱۳۸۵)، "قانون جامع" [میزگرد روزنامه اطلاعات درباره موانع اجرایی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان] ضمیمه روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۳ آذر، شماره ۲۳۷۹۱، صفحات ۶-۷.
۷. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰)، "آزادی‌های عمومی و حقوق بشر"، تهران، دانشگاه تهران.
۸. مشیر سلیمی، علی اکبر (۱۳۴۴)، "سخنوران نابینا"، نشر علمی.
۹. مصفا، نسرين (۱۳۸۱)، "اقدامات بین‌المللی در حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، شماره ۵۸، زمستان ۸۱.
۱۰. "مقاله نامه شماره ۱۵۹ ناظر بر نوتوانی حرفه‌ای و اشتغال اشخاص معلول مصوب ۱۹۸۳"، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۴۸-۲۴۴.
11. Department for International Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat (1986), "Manual on the Equalization of Opportunities for Disabled Persons", New York.
12. Melton G.B. (1983), "Child Advocacy: Psychological Issues and Interventions", NY, Plenum.

13. Guernsey, Katherine Nicoli Marco and Ninio Alberto (2007) , "*Convention on the Rights of Persons with Disabilities: Its Implementation and Relevance for the World Bank*", Washington, June, p.4. available at:
14. <http://siteresources.worldbank.org/SOCIALPROTECTION/Resources/SP-Discussion-papers/Disability-DP/0712.PDF>.
15. Melinda Jones and Lee Ann Basser Marks (1999), "*Disability Diverse – Ability and Legal Change*", the Hague/Mortinus Nijhoff Pub.
16. Rosemary Kayess and Phillip French (2008), "*Out of Darkness into Light? Introducing the Convention on the Rights of Persons with Disabilities*", Human Rights Law Review, 8(1).
17. Hart S.N. (1982), "*The History of Children Psychological Rights :View Points in Teaching and Learning*".
18. Convention on the Rights of with Disabilities (CRPD) and CRPD Optional Protocol were adopted during the 61st session of the General Assembly: see GA Res. 61/611; 15 IHRR 255. See Disabilities-Handbook on the Convention on the Rights of with Disabilities and its Optional Protocol, (Geneva: OHCHR, 2007), available at:
<http://www.ohchr.org/english/about/publications/docs/ExclusionEqualityDisabilities.pdf>.
19. Report of the Secretary-General as to the Status of the Convention on the Rights of Persons with Disabilities and the Optional Protocol, 14 August 2007, A/62/230, at Para. 4, available at:
<http://www.ohchr.org/english/issues/disability/docs/A.62.230.en.doc>. See also UN Press Release, Record number of countries sign UN treaty on disabilities on opening day, 30 March 2007, available at:
<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=22085&Cr=disab&Cr1=>.
20. <http://www.un.org/disabilities/default.asp?id=33>.
21. <http://www.un.org/disabilities/convention/facts.shtml>.
22. <http://www.un.org/disabilities/convention/facts.shtml>.
23. <http://www.unhchr.ch/hrc-general Comment No.18>.
24. <http://www2.ohchr.org/english/law/pdf/progress.pdf>.
25. <http://daccessdds.un.org/doc/resolution/Gen/NRO/328/72/Img/Nr032872.pdf?OpenElement>.
26. <http://www2.ohchr.org/english/law/res3447.htm>.
27. <http://daccessdds.un.org/doc/RESOLUTION/GEN/NR0/582/07/IMG/NR058207.pdf?OpenElement>.
28. <http://www.un-documents.net/wpacdp.htm>.
29. <http://www.leeds.ac.uk/disabilitystudies/archiveuk/united%20nations/World%20Programme.pdf>.
30. [http://www.unhchr.ch/huridocda/huridoca.nsf/\(symbol\)/A.Res.48.96.En?OpenDocument](http://www.unhchr.ch/huridocda/huridoca.nsf/(symbol)/A.Res.48.96.En?OpenDocument).
31. <http://www2.ohchr.org/english/law/Vienna.htm>.
32. <http://www.un.org/esa/socdev/enable/index.html>.
33. http://www.sci.org.ir/content/userfiles/_sci/sci/SEL/ayamidan/14-5.html